

آدرس: بخنود، خیابان امام خمینی (ره)، بین میدان فردوسی و ماجر، جنب درمانگاه خاتم الانبیا (ع)
تلفن: ۳۲۲۹۹۶۲
دفتر مرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۹۹۶۴

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۵۱۱
تلفن: ۰۵۱-۳۷۷۲۳۰۰۰
مدیرعامل و مدیرمسئول: رضا خوراکیان
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید سادای (سازمان آب)
پایه: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل و مدیرمسئول: رضا خوراکیان
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید سادای (سازمان آب)
پایه: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه خراسان شمالی، گروه چهارم نشریات
روزنامه سیاسی-اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی
دوشنبه ۱۲۰۲ خرداد
۹ دی القنده ۱۴۴۲، شماره ۳۹۳۰

خراسان شمالی

نگاهی به سریال «آکتور»

«بازی در بازی» با گریم خارق العاده

که در بازیگر اصلی بر سر پرداخت اجاره خانه دارند و می‌شد مختصر و مفیدتر به آن پرداخته شود یا ابتدای داستان پیدا کردن بچه‌های «نازی» (هانیه توسلی) که خیلی طولانی و کشدار ساخته شد و نماهای بی کاربرد زیادی داشت. اوج کشدار و طولانی بودن بی مورد سریال در سکانس تعریف کردن قصه و خندیدن «گلاره عباسی» در سر سفره در طرز نشستن خاص مرتضی بود که واقعاً نه این قدر خنده دار و نه لازم بود که چند دقیقه ای زمان برای تعریف این داستان بی مورد شود. فضاسازی نمایشی، چیدمان نما که باعث شکل گیری فضای کلی سریال شده و میزاسنی که «جاویدی» برای سریالش تدارک دیده، می‌تواند برای اولین بار اتفاق افتاده باشد. تلاش این کارگردان برای رسیدن به فرم و اجرای تکنیکال در «آکتور» تا حدودی جواب داده است. البته که به نظر می‌رسد او به عنوان نویسنده اثر در همان بخش نوشتاری به فرم د نظر نرسیده است.

در کنار این موارد باید به برخی سکانس های خسته کننده از جمله تمرین تئاتر در سالن توسط «علی» و «مرتضی» اشاره کرد که تاکنون مشخص نشده است علت نمایش ذاقفی طولانی از این تمرین در برخی قسمت ها چیست در حالی که ماجراهای آن حداقل تاکنون به خط اصلی سریال ارتباطی نداشته و نبود این سکانس ها ضربه ای به سریال وارد نمی کرده است. از سوی دیگر با توجه به این که سریال در فصل های مختلفی فیلم برداری شده است در برخی سکانس ها شاهد غفلت از نوع پوشش بازیگران با توجه به سکانس های پیش از آن هستیم که البته منشی صحنه، وظیفه دقت در جزئیات این گونه را دارد. با وجود برخی اشکالات و کمبودها، سریال «آکتور» جذابیت های مختلفی برای تماشا دارد و باید منتظر بمانیم و ببینیم سرنوشته بازیگران آن در پایان داستان چگونه رقم خواهد خورد.



دل داستان بدهد. البته که در این بین برخی اتفاقات سریال مانند ماجرای کرایه خانه کشش لازم را ندارد اما در آن سو، ماجرای دروغ، مثل یکی از اصلی‌ترین نقش‌ها به صورت نامرئی در دل قصه حضور دارد و هر بار اتفاقات بزرگ‌تری را رقم می‌زند. مثلاً «هانیه توسلی»، علاوه بر آن که در گروه اصلی کارفرمایان یکی از بخش‌ها حضور دارد، همزمان نقش دیگری را بازی می‌کند تا از دل جزئیات هر اتفاق باخبر شود. در مورد «هستی مهدوی‌فر» و بقیه بازیگرها نیز این ماجرا صدق می‌کند، هر کدام در عین ایفای یک نقش و در کنار شخصیت حقیقی خودشان مشغول بازی دیگری هستند.



مثلاً «مهدوی‌فر» در عین بازی کردن نقش یک معتاد به این گروه پیوسته تا به ساز و کار این صحنه‌پردازی‌ها و نبیتی که در دل آن وجود دارد، پی ببرد، اتفاقی که سلسله‌وار ادامه دارد.

با همه این‌ها از ریمیک که گاهی کندی آن باعث خستگی بیننده می‌شود نمی‌توان گذشت. در برخی از سکانس‌ها فرافاز و فرود قصه دچار افتی می‌شود که از هیجان اتفاقات می‌کاهد، مثل در گیری



یکی از نکات جذاب سریال «آکتور» تمرکز روی گریم است. «بابک اسکندری» به عنوان طراح این گریم‌ها در آکتور سنگ تمام گذاشته و باعث شده تا این بخش جزو رخدادهای جالب توجه سریال باشد؛ هنری که از «عبدال... اسکندری» پیشکسوت این عرصه به پسر رسیده و آکتور را می‌توان نقطه عطف تجلی آن دانست چرا که بخشی از وزن کل این کار بر دوش همین طراحی‌ها گذاشته شده است.

در واقع در طول داستان‌های متعدد آکتور، این گریم و طراحی آن است که بخشی از قصه را به تنهایی پیش می‌برد، البته که از شیوه نقش‌آفرینی‌های بازیگران به خصوص سه نقش اصلی یعنی «نوید محمدزاده»، «احمد مهران فر» و «هستی مهدوی‌فر» هم نمی‌شود گذشت.

اوج این گریم‌ها را در قسمتی که در خانه سالندان می‌گذشت دیدیم؛ مجموعه سکانس‌هایی که توانست نگاه‌های زیادی را به خود جلب کند، همان قسمت‌هایی که «علی» و «مرتضی» به عنوان دو پیرمردی که قرار است در این خانه زندگی کنند دست کم پنجاه سال پیرتر شدند و شاید در نگاه اول حتی متوجه گریم بودن آن‌ها نشوید. جالب است که در طول همان قسمت‌ها اشاره‌هایی به به شیوه شکل گرفتن این گریم و مراقبت‌هایی که لازم دارد، می‌شود، جریانی که یادآوری می‌کند با یک اتفاق ساده روبه‌رو نیستیم. در قسمتی که «نوید محمدزاده» و «هستی مهدوی‌فر» هم نقش دو معتاد به شیشه را بازی می‌کردند این طراحی گریم تا اندازه‌ای پیش برنده قصه بود.

در ادامه این مطلب بحث کشش هر داستان مطرح می‌شود. می‌توان گفت که پیچش‌های داستانی در آکتور تا حدی به خوبی مدیریت می‌شوند تا مخاطب با وجود آگاهی از تکنیک «بازی» در بازی، هر قسمت، فاصله‌گذاری را ناخودآگاه فراموش کند و دل به



غیرمرتبط شروع می‌شود. با این سکانس افتتاحیه و معرفی دو شخصیت اصلی به عنوان خفت‌گیر، تا حد زیادی گمان می‌کنیم قرار است داستان در همین شرایط ادامه پیدا کند تا این که یک مرتبه ورق برمی‌گردد و با فاش شدن راز گریم آن‌ها و رونمایی از بازیگر بودنشان، وارد مسیر اصلی می‌شویم. این سکانس با وجود تمام هیجانی که در ابتدای سریال ایجاد می‌کند، باعث می‌شود هم با این شخصیت‌ها آشنا شویم و هم حیطه کاری‌شان دستانم بیاید.



معرفی می‌شوند که از حرفه‌شان به شکلی متفاوت برای کسب درآمد استفاده می‌کنند. آن‌ها بازیگرانی تمام‌وقت هستند و حاضرند هر کاری کنند تا سالن نمایشی که برای خودشان آماده کرده‌اند از دستشان نرود؛ خانه و سرنهایی ندارند و مدام نقشه می‌کشند که چطور پولی برای ادامه مخارج زندگی فراهم کنند. هر دو علاوه بر عشق به تئاتر، احساساتی لطیف دارند.



گروه سینما و تلویزیون- پنج شبی‌ای که گذشت هجدهمین قسمت سریال «آکتور» منتشر و از شبکه نمایش خانگی پخش شد؛ سریالی که با حضور تعدادی از بازیگران نام آشنا می‌توان آن را روایتی از «بازی در بازی» البته با گریم خارق العاده دانست. این سریال را «نیما جاویدی» که متولد بخنودر است کارگردانی کرده و در آن بازیگرانی همچون «نوید محمدزاده»، «احمد مهرانفر»، «هستی مهدوی‌فر»، «هانیه توسلی»، «هومن برق نورد»، «گلاره عباسی» و «مهرآور شریفی‌نیا» بازی می‌کنند. این سریال در ژانر درام و خانوادگی، داستان زندگی پرفراز و نشیب سه بازیگر مستعد تئاتر را روایت می‌کند که زندگی‌شان با چند پیشنهاد کاری، دستخوش دگرگونی و ماجراهای پیچیده‌ای می‌شود، جوانانی که علاوه بر درگیری با مشکلات مختلف باید با اتفاقات جدیدی هم دست‌وپنجه نرم کنند. «محمدزاده»، «مهرانفر» و «مهدوی‌فر» به عنوان سه بازیگر تئاتر برای گذران زندگی‌شان صحنه تئاتر را به زندگی واقعی پیوند داده‌اند و هر چند قسمت به شکل یک شخصیت-تیپ درمی‌آیند و اتفاقاتی را رقم می‌زنند، یک بار راه می‌پندند و زور گیر می‌شوند تا تدارک خاصی را برای مراسم خواستگاری کارفرمای خود شکل بدهند، یک بار در نقش معتاد شیشه‌ای وارد عمل می‌شوند تا طبق قراردادشان مجع دختری را که خانواده‌اش به او مشکوک هستند، بگیرند، یک بار در نقش دو پیرمرد و یک مستندساز وارد خانه سالندان می‌شوند تا گمشده‌ای را پیدا کنند و باری دیگر نیز در نقش چند نفر از اهالی افغانستان بازی می‌کنند تا به نوعی معمایی را حل کرده باشند.

در کارنامه «نیما جاویدی»، ساخت دو فیلم «ملیون» و «سرخپوست» دیده می‌شود و «آکتور» اولین تجربه سریال‌سازی او محسوب می‌شود. «آکتور» از بهمن ۱۴۰۰ پنج شبیه هر هفته پخش می‌شود. سریال با داستانی فرعی و حضور چند شخصیت



خاطره بازی

سینمای دفاع مقدس

سریال «بدون شرح» و ماجرای کشتی به گل نشسته آقای «کاووسی»!

«بدون شرح»، نقش سردبیر مجموعه را داشت اما عملاً کاری از پیش نمی‌برد چون همه کاره روزنامه، پدر همسرش، «آقای کاووسی»، بود که تمام دستورها از سمت او صادر می‌شد و کسی بدون اجازه او به اصطلاح نمی‌توانست آب بخورد! این روزنامه تیتراژ بالایی نداشت و کسی هم آن را نمی‌خريد چون همان طور که اشاره شد بنا به گفته «آقای کاووسی»، همیشه مثل کشتی به گل نشسته بود. «فرید» سعی می‌کرد با شیرین‌زبانی خودش را پیش «آقای کاووسی» عزیز کند و از او امتیاز بگیرد اما در اکثر مواقع حرفش به جایی نمی‌رسید. در دهه های ۷۰ و ۸۰ رهایی «پیمان قاسم‌خانی» را می‌شد در بیشتر آثار موفق کمدی دید. بخش مهمی از موفقیت «بدون شرح» هم به فیلم نامه آن برمی‌گشت که توسط «پیمان قاسم‌خانی»، «سروش صحت»، مرحوم «خشایار الوند»، «مهراب قاسم‌خانی»، «ریما رامین‌فر» و «حمید برزگر» نوشته شده بود. «پیمان قاسم‌خانی» استاد خلق شخصیت‌های کمدی ماندگار و همچنین تکیه‌کلام‌ها و موقعیت‌های کمدی جذاب است و می‌شود تاثیر او را در خلق این شخصیت‌های جذاب تحریریه «شهر قشنگ» دید. او چند



سال بعد با همراهی همین تیم، سرپرستی نویسندگان مجموعه «کمربندا» را بیندیم، را هم برعهده گرفت؛ سریالی که باز هم به یکی از کمدی‌های موفق تلویزیون تبدیل شد. «مهدی مظلومی» تا پیش از این که «بدون شرح» را به عنوان اثری مستقل کارگردانی کند در آثار موفقی مثل «ساعت خوش»، «این چند نفر» و «زیر آسمان شهر» کارگردان تلویزیونی بود و مهم‌ترین اتفاق کارنامه‌اش با «بدون شرح» رقم خورد. این سریال به قدری مورد توجه قرار گرفت که به فصل دوم هم رسید. «مظلومی» بلافاصله بعد از این مجموعه سراغ «بانکی‌ها» رفت؛ سریالی که نتوانست موفقیت «بدون شرح» را تکرار کند. با این حال او چند سال بعد در «کمربندا» را بیندیم؛ بار دیگر با همراهی تیم «پیمان قاسم‌خانی»، موفقیت دیگری را به ثبت رساند. «زندگی به شرط خنده»، «روزگار خوش حبیب آقا» و «لطفاً دور نزنیم» از جمله آثار بعدی «مظلومی» بود که هیچ کدام نتوانستند به عنوان اثری کمدی ماندگار ثبت شوند.

یکی از دلایل جذابیت مجموعه «بدون شرح»، تکیه کلام‌های جذاب شخصیت‌های «آقای کاووسی» و «فرید» بود. لحن صحبت کردن «آقای کاووسی» اطلاعات ناقصی که از شعرا، ضرب‌المثل‌ها و زبان‌های مختلف داشت همگی باعث شد که این شخصیت در آن دوره بسیار مورد توجه قرار بگیرد. تکیه کلام‌های «دجیتاللم کجا بود؟»، «نمی‌دونم چی‌چی حافظا»، «کشتی به گل نشسته» و «ولا غریب»، آن زمان مدام توسط برخی از مردم استفاده می‌شد. از طرف دیگر تکیه‌کلام‌های شخصیت «فرید» هم بسیار مورد توجه قرار داشت به خصوص زمانی که «آقای کاووسی» را «آی کاووسی» ادا می‌کرد یا می‌گفت: «خوب چیزیه آقا، خوووووب!»

سریال «بدون شرح» که این روزها از شبکه آی فیلم در حال بازپخش است، از جمله سریال‌های کمدی تلویزیون است که هنوز هم بعد از بارها بازپخش، از جذابیت آن کم نشده است. عوامل مختلفی از انتخاب بازیگران گرفته تا سوزها و شخصیت‌ها و موقعیت‌های کمدی و تکیه‌کلام‌ها بامزه آن، باعث شد این سریال در ابتدای دهه ۸۰، تبدیل به یکی از مجموعه‌های شبانه موفق تلویزیونی شود. سریال «بدون شرح» به کارگردانی «مهدی مظلومی»، یکی از پرطرفدارترین مجموعه‌های طنزی است که در سال ۱۳۸۱ از شبکه ۳ پخش شد و این روزها ساعت ۱۶ و ۲۴ از شبکه آی‌فیلم بازپخش می‌شود. بخش عمده این سریال در دفتر یک هفته‌نامه به اسم «شهر قشنگ» می‌گذشت و اتفاقاتی که در این دفتر رخ می‌داد و ماجراهای مختلفی که برای کارکنان آن پیش می‌آمد، داستان را جلو می‌برد؛ ماجراهای سرگرم‌کننده‌ای که در هر قسمت اتفاق می‌افتاد و فضای خانوادگی سریال، از مهم‌ترین دلایل محبوبیت این سریال و همراهی مخاطبان با آن بود. یکی دیگر از نقاط قوت سریال، حضور بازیگران خوب آثار کمدی مانند زنده یاد «فتحعلی اویسی»،



«امیر جعفری»، «بیژن بنفشه‌خواه» و «مریم سعادت» در این مجموعه بود که «بدون شرح» را به یکی از بامزه‌ترین سریال‌های تلویزیونی در دهه ۸۰ تبدیل کرد.

زنده‌یاد «فتحعلی اویسی» که در این سریال در نقش «آقای کاووسی» بازی کرد تا قبل از سال ۱۳۷۸ و بازی در نقش «سرهنگ سپهر»، معمولاً به خاطر بازی در نقش‌های جدی و منفی شناخته می‌شد.

«مومیایی» مقدمه‌ای شد برای ورود این بازیگر به عرصه کمدی؛ موفقیتی که باعث شد «محمدرضا مهرمند» از او برای سریال «کاکتوس» هم دعوت به همکاری کند. او با ظاهری بسیار جدی و رسمی، بدون این که لیخنندی روی لب داشته باشد حرف‌هایی می‌زد و حساسیت‌هایی به خرج می‌داد که بخش مهمی از بار کمدی این سریال را به دوش می‌کشید. اوج هنرنمایی «فتحعلی اویسی» در عرصه کمدی با «بدون شرح» اتفاق افتاد؛ مدیرمسئول هفته‌نامه «شهر قشنگ» که کوچک‌ترین اطلاعی از روزنامه‌نگاری نداشت و مدام از به گل نشستن عتقرب کشتی روزنامه صحت به میان می‌آورد! او معمولاً یا دعوا می‌کرد یا پیشنهادهای عجیب و غریب می‌داد یا از همه می‌خواست با کمترین خرج، کار را به سرانجام برسانند. صحبت کردنش به زبان عربی هم جزو نکات بسیار جذاب بازی او بود. «آقای کاووسی» به یکی از ماندگارترین نقش‌های «فتحعلی اویسی» تبدیل شد.

«امیر جعفری» تا قبل از سال ۱۳۸۰ در تئاتر بازیگر شناخته‌شده‌ای بود اما بازی در نقش «فرید» سریال «بدون شرح» باعث شد تا بین مخاطب تلویزیون نیز شناخته شود و به شهرت برسد. بعد از آن بود که حضور او در سریال‌ها بیشتر شد و جایگاهی قابل توجه به دست آورد. «امیر جعفری» در سریال

سفر به چزابه

سال تولید: ۱۳۷۴

کارگردان: رسول ملاقلی‌پور
بازیگران: حبیب دهقان‌نسب، فرهاد اصلانی، عاطفه رضوی، مسعود کرامتی و سیامک انصاری



«سعید قطبی زاده»، منتقد سینما هم فیلم «سفر به چزابه» را اثری بدون شعار دانسته و گفته بود: اگر قصه این فیلم را برای من مکتوب روایت می‌کردند، داستان جذاب و خوبی نمی‌دانستم، اما ملاقلی‌پور توانسته این داستان را به اثری بر جسته تبدیل کند.

«مسعود فراستی» هم درباره این فیلم گفته بود: «سفر به چزابه» جزو ۷، ۸ یا ۱۰ فیلم خوب سینمای دفاع مقدس است. «سفر به چزابه» فیلم بی نقصی نیست، اما فیلم شریفی است؛ فیلم گرمی است؛ فیلم نوستالژیک نه به معنای روشنفکرانه‌اش است. فیلم عمیقاً حس همدردانه‌ای با رزمندگان دارد. فیلم ادای دین به شهید «شوکت پور» است که ادای دین خوبی هم هست. خیال در سفر به چزابه چنان واقعی است که با واقعیت هم سفر است.



داستان فیلم در این باره بود که کارگردانی به نام «وحید» یکی از فیلم‌های جنگی دفاع مقدس ایران را ساخته است. او از دوستش «علی» می‌خواهد تا آهنگسازی کار را بر عهده بگیرد، اما «علی» با فیلم ارتباط برقرار نمی‌کند و بدین منظور تصمیم می‌گیرند به یکی از مناطق جنگی بروند تا با فضای جنگ ارتباط بیشتری پیدا کنند.

«علی» و «وحید» با حضور در خاک‌ریزهای واقعی، ذهن و قلبشان به آن دوران پرتاب می‌شود و همزمان خود در جنگ را کنارشان می‌بینند. زنده‌یاد «رسول ملاقلی‌پور» دارای قلمی توانا و تسلط کافی بر ژانر دفاع مقدس بود و «سفر به چزابه» از تماشایی و فوق‌العاده از آب درآورد. سریال «سفر به چزابه» هم جزو سریال‌های دیدنی و جذاب تلویزیون در ژانر دفاع مقدس است. «پیروز ارجمند تاج الدینی» موسیقی این اثر به یادماندنی را ساخت و «فرهاد صبا» فیلم بردار آن بود.

«سید علی روحانی» از استادان دانشگاه درباره این فیلم گفته بود: «سفر به چزابه» فیلم بزرگی است چراکه فارغ از کپی است، فیلم پیرو چیزی نیست و از هیچ فیلم دیگری برداشته نشده است، این مسئله جایگاه فیلم را بسیار بالا می‌برد چراکه خودش زبان خودش را کشف کرده، آزمون و خطا انجام داده و حتی شکست خورده است. از طرف دیگر ملاقلی‌پور در ابتدای جنگ عکاس بوده است و به نظر من یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد فیلم «سفر به چزابه» این است که ذات عکاسانه دارد یعنی در عین حال که دکوپاژ و میزاسن فوق‌العاده کار شده اما به‌نظر می‌رسد که من درونی و عکاس ملاقلی‌پور خواسته است این بار خودش حرف بزند.

